



فساد

به **نقصان** به حسب اجزا و شرایط **فساد** گفته می شود.

فهرست مندرجات

- ۱ - معانی
 - ۱.۱ - در علم اصول
 - ۱.۱.۱ - نمونه
 - ۱.۲ - در علم فقه
 - ۱.۳ - در علم کلام
 - ۱.۴ - در علم طب
 - ۲ - نظر مرحوم آخوند خراسانی
 - ۳ - پانویس
 - ۴ - منبع

معانی

فساد، مقابل **صحت** می‌باشد. در هر علمی برای صحت و فساد معنایی در نظر گرفته شده که با یک دیگر متفاوت است، از جمله:

← در علم اصول

۱. در اصطلاح **علم اصول**، صحت به معنای تمامیت اجزا و شرایط است و **عبادت** یا **معامله** صحیح آن است که دارای همه اجزا و شرایط باشد. در مقابل، فساد به معنای تام و کامل نبودن است و به عبادت یا معامله‌ای که دارای همه اجزا و شرایط نباشد، فاسد گفته می‌شود.

← نمونه

در کتاب «**محاضرات فی اصول الفقه**» آمده است:
«الظاهر ان الصحة بمعنى التمامية من حيث الأجزاء و الشروط التي يعبر عنها في لغة الفرس بكلمة (درستی)».^[۱]

← در علم فقه

۲. در **علم فقه**، عمل صحیح، به عملی گفته می‌شود که به دنبال آن **اعاده** و **قضا** نباشد؛ برای مثال، **نماز** صحیح آن است که مسقط قضا و اعاده باشد؛ در مقابل، عمل فاسد، آن است که اعاده و قضا نیاز دارد.

← در علم کلام








۳. در **علم کلام**، صحیح به عملی گفته می‌شود که موافق با **شریعت** بوده و استحقاق **ثواب** داشته باشد؛ و در مقابل، فساد به معنای عملی است که با شریعت موافق نبوده و استحقاق **عقاب** داشته باشد.

← در علم طب

۴. در **علم طب**، صحت به معنای **اعتدال** در **مزاج** است؛ در مقابل فساد که به معنای انحراف مزاج و خروج آن از حالت تعادل است.

نظر مرحوم آخوند خراسانی

مرحوم «**آخوند خراسانی**» بر خلاف نظریه بالا، معتقد است صحت و **فساد**، در همه علوم به یک معنا است؛ به این بیان که **صحت** در همه جا به معنای تمامیت یک عمل و داشتن همه اجزا و شرایط است، اما چون صحت در علوم متفاوت، حالات و آثار متفاوتی دارد گمان می‌شود که معنای آن در هر **علم** با علم دیگر تفاوت دارد.^{[۲][۳][۴][۵][۶][۷][۸][۹][۱۰]}

۱. ↑ محاضرات فی اصول الفقه، خوبی، ابوالقاسم، ج ۱، ص ۱۳۵. 
۲. ↑ کفایة الاصول (المحشی)، آخوند خراسانی، مجد کاظم بن حسین، ج ۲، ص ۲۲۲.
۳. ↑ کفایة الاصول، آخوند خراسانی، مجد کاظم بن حسین، ص ۱۸۲. 
۴. ↑ کفایة الاصول، آخوند خراسانی، مجد کاظم بن حسین، ص ۳۹.
۵. ↑ اصول الفقه، مظفر، مجد رضا، ج ۱، ص ۳۱۸. 
۶. ↑ انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱، ص ۶۰۸. 
۷. ↑ التمهید فی تخریج الفروع علی الاصول، استوی، عبد الرحیم بن حسن، ص ۵۹.
۸. ↑ نہایة الافکار، عراقی، ضیاء الدین، ج ۱، ص ۷۳. 
۹. ↑ نہایة الافکار، عراقی، ضیاء الدین، ج ۱، ص ۷۷. 
۱۰. ↑ نہایة الافکار، عراقی، ضیاء الدین، ج ۱، ص ۴۶۴. 

منبع

فرهنگ‌نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۶۰۲، برگرفته از مقاله «فساد». 

رده‌های این صفحه : **اصطلاحات اسلامی**